

تحلیل و بررسی نشانه‌های حتمی ظهور حضرت قائم علیه السلام در سروده‌های سید محمدحسن میرجهانی

حسن مجیدی^۱

محمد صادق میرزایی^۲

چکیده

یکی از مهم‌ترین موضوعات در زمینه مهدویت، نشانه‌های ظهور است. شاعران بسیاری در این باره شعر سروده و هر یک به گونه‌ای به این علایم پرداخته و همه نشانه‌هایی را که از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام به ما رسیده، به نظم درآورده‌اند. برخی از شاعران تقریباً تمام علایم ظهور و برخی دیگر به گوشه‌ای از آن‌ها اشاره کرده‌اند. در این میان سید محمدحسن میرجهانی از شاعران ایرانی است که علاوه بر سرودن اشعار فراوان به فارسی در مدح اهل بیت علیهم السلام سروده‌هایی جالب هم در این خصوص به عربی دارد؛ از جمله این اشعار می‌توان به منظومه‌های ایشان در ارتباط با نشانه‌های ظهور اشاره کرد. وی از جمله کسانی است که تقریباً همه نشانه‌های ظهور امام مهدی علیه السلام را در چهار مبحث علایم عام، علایم حتمی، علایم مشروط و علایم مخصوص در اشعار خویش به کار برده است. این مقاله بر آن است تا ضمن معرفی شخصیت سید محمدحسن میرجهانی، به بررسی و تحلیل علایم محتوم ظهور از ورای سروده‌های وی پردازد.

واژگان کلیدی: امام مهدی علیه السلام، علایم حتمی ظهور، سید محمدحسن میرجهانی، شعر عربی.

۱- دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه حکیم سبزواری، نویسنده مسئول majidi.dr@gmail.com

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشگاه حکیم سبزواری sadeghmirzaei99@yahoo.com

مقدمه

شاعران برای ابراز علاقه و دل‌بستگی خود به ساحت ولیعصر علیه السلام اشعار فراوان به زبان عربی سروده‌اند. در این میان برخی از شاعران در قالب اشعار خود نسبت به حضرت مهدی علیه السلام ابراز ارادت کرده، ولی برخی دیگر از شاعران به ذکر علایم و نشانه‌های آخرالزمان یادآور گشته‌اند. از جمله این سراینده‌گان سید محمد حسن میرجهانی است. وی پیش از آن که شاعر باشد، دانشمند علوم دینی و از شیفتگان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام است که آثاری گرانبها در این زمینه از خود به یادگار گذاشته است.

یکی از این کتاب‌ها، *الدرر المکنونه* می‌باشد که سروده‌ای درباره‌ی اهل بیت علیهم السلام است. او در این کتاب نخست، به اثبات وجود امام علیه السلام در جامعه می‌پردازد سپس به بیان صفات امام علیه السلام که مهم‌ترین آن عصمت از گناه و خطا است اشاره می‌کند. آن‌گاه به لزوم گزینش امام علیه السلام از سوی خدا و این‌که دیگران قادر به انتخاب امام معصوم علیه السلام نیستند، می‌پردازد و پس از آن ده‌ها مطلب علمی و تاریخی را در زمینه امامت با اشعاری زیبا بیان می‌کند. در ادامه درباره‌ی زندگانی یک‌ایک ائمه‌ی معصومین علیهم السلام با زبان شعر سخن می‌گوید تا این‌که نوبت به ولی عصر حجت بن الحسن العسکری علیه السلام می‌رسد. شاعر در این منظومه در خصوص امام زمان علیه السلام بیش از ۶۰۰ بیت شعر سروده است که در آن‌ها سیمای پرفروغ آن حضرت را از تولد تا غیبت و از غیبت تا ظهور و حتی بعد از ظهور در قالب موضوعات گوناگون به تصویر می‌کشد. از جمله این مسایل می‌توان به نشانه‌های حتمی و غیر حتمی روز ظهور و سیرت آن حضرت اشاره کرد.

۱. ادبیات نظری پژوهش

۱-۱. پیشینه پژوهش

- در زمینه ظهور و نشانه‌های آن تألیفاتی بسیاری وجود دارد. در زیر به نمونه‌هایی از آن‌ها اشاره می‌شود:
۱. یوم الخلاص، نوشته کامل سلیمان که در آن به بررسی مسایل مختلف در زمینه مهدویت پرداخته است، از جمله نشانه‌های ظهور، سیمای اهل آخرالزمان، آشوب‌های جهانی و جز آن‌ها.
 ۲. عصر ظهور تألیف علی الکورانی که سیمای کلی عصر ظهور و نقش هر یک از سرزمین‌ها (یمن، شام، ایران، مصر و جز این موارد) را مورد بررسی قرار داده است.
 ۳. سیمای حضرت مهدی علیه السلام در قرآن تألیف سید هاشم حسینی بحرانی که در این کتاب، مؤلف به آیاتی از قرآن کریم که در مورد امام مهدی علیه السلام تفسیر شده، پرداخته است.

۴. الامام المهدي في الاحاديث المشتركة بين السنة و الشيعة تأليف محمد امين الناصري که در این کتاب مجموعه‌ای از احادیث را که از شیعه و سنی درباره امام مهدی علیه السلام و حوادث آخرالزمان و ظهور و موارد دیگر آمده، گرد آورده است.

۵. تاریخ الغيبة الکبری نوشته سید محمد صدر که در آن تاریخ زندگی حضرت و ویژگی‌های دوران غیبت را مورد بررسی قرار داده است.

۶. مقاله‌ای با عنوان آموزه انتظار و زمینه سازی ظهور توسط قنبر علی صمدی نوشته شده است که در آن ضمن تبیین ماهیت و خاستگاه آموزه انتظار در فرهنگ شیعی، به بررسی رابطه اندیشه انتظار با مسئله زمینه سازی و مهم‌ترین ضرورت‌ها و الزامات آن و نیز ظرفیت‌های جهانی سازی اندیشه انتظار، می‌پردازد.

۷. در ادبیات فارسی کتابی با عنوان سیمای مهدی موعود در آیین شعر فارسی توسط محمد علی مجاهدی نوشته شده که موضوع اصلی این تحقیق دامنه‌دار، بررسی ابعاد مختلف شعر مهدوی در زبان فارسی است.

۸. رساله دکتری با عنوان قائم آل محمد علیهم السلام در اشعار عربی توسط حسن عبداللّهی در دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۷ دفاع شده است که در آن نویسنده در یکی از فصل‌های کتاب به صورت گذرا اشاره‌ای به سروده‌های سید محمدحسن میرجهانی کرده است.

ولی تاکنون مقاله و پژوهش ادبی مستقل که در آن به تحلیل نشانه‌های ظهور در شعر میرجهانی پرداخته شده باشد، نگارش نیافته است.

۲-۱. ضرورت و اهداف پژوهش

۱. معرفی شاعران گمنام که درباره اهل بیت علیهم السلام به خصوص امام زمان علیه السلام و ادب ملتزم شعر سروده‌اند.
۲. معرفی سید محمدحسن میرجهانی به عنوان شاعر عربی‌سرای چیره‌دست و بررسی نمودهای علایم ظهور به ویژه نشانه‌های حتمی در شعر او.

۳-۱. روش پژوهش

این جستار بر آن است با روش توصیفی و تحلیلی و مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای ضمن بررسی اشعار میرجهانی به بازتاب احادیث و روایات در سروده‌های وی (به طور ویژه به نشانه‌های حتمی ظهور) بپردازد.

۴-۱. پرسش‌های پژوهش

۱. علایم و نشانه‌های حتمی ظهور از چشم‌انداز اشعار سید محمدحسن میرجهانی کدام است؟
۲. آیا این نشانه‌ها در اشعار او با روایات و احادیث مرتبط با ظهور تطبیق دارد؟

۵-۱. فرضیه پژوهش

با توجه به این که سید محمدحسن میرجهانی پیش از آن که شاعر باشد، دانشمند و عالم دینی فاضل و محقق می‌باشد، توانسته است علایم حتمی ظهور را به درستی و مطابق با آنچه که در روایات و احادیثی که از ائمه علیهم‌السلام به ما رسیده در سروده‌های خود منعکس کند.

۲. زندگی میرجهانی

سید محمدحسن میرجهانی طباطبایی، فرزند سید جلیل القدر و ربانی میرسیدعلی محمدآبادی جرقویه‌ای اصفهانی در روز دوشنبه بیست و دوم ماه ذی القعدة الحرام سال (۱۲۷۹ق) در قریه محمدآباد جرقویه سفلی از توابع اصفهان در خانواده‌ای مذهبی، شریف و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام دیده به جهان گشود.

او پس از طی دوران طفولیت و کودکی، در سن پنج سالگی وارد مکتب شد و در هفت سالگی تمام قرآن مجید را به انضمام کتب فارسی فرا گرفت. سپس به یادگیری مقدمات زبان عربی اعم از صرف و نحو پرداخت و قسمتی از کتاب سیوطی را نزد یکی از فضلاء روستای محل سکونت خود فرا گرفت. بعد از آن برای ادامه تحصیل وارد حوزه علمیه اصفهان شده و در مدرسه صدر بازار ساکن گشت. در اصفهان از محضر بزرگانی هم چون عالم فرزانه آقا شیخ محمدعلی حبیب آبادی و آقا شیخ علی یزدی بهره برد و به فراگیری فقه، اصول و منطق اهتمام ورزید. سپس سطوح وسطی و عالیه را در خدمت مرحوم حجت الاسلام شیخ محمدرضا رضوی خوانساری و میرزا احمد اصفهانی و آیت الله محمدعلی فتاحی دزفولی و آیت الله حاج سیدابوالقاسم دهکردی به پایان رسانید. ایشان در درس خارج آیات عظام میرزا محمدرضا مسجد شاهی و آخوند ملاحسین فشارکی نیز حاضر می‌شد.

در سال (۱۳۰۵ق) با اجازه پدر راهی نجف اشرف گردید و در آن دیار عالم پرور از وجود مبارک اساتید ارجمندی چون آیت الله رجایی، حاج شیخ عبدالله مامقانی (صاحب رجال) و آیت الله آقا ضیاء الدین عراقی بهره مند شد. جنبه والای روحانی و اخلاقی و شخصیت علمی میرجهانی باعث شد از جمله یاران خاص مرجع اعلی آیت الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی گردد و در مسجد شیخ طوسی از انفساس

قدسی آن بزرگوار استفاده نماید، تا آن‌جا که، در مدت اقامت در نجف، نوشته‌ها و امور مالی آیت الله اصفهانی در دست ایشان قرار داشت. میرجهانی پس از چندی، بار دیگر به اصرار پدر با کوله باری از علم و فضیلت معنوی به اصفهان بازگشت.

۳. تألیفات میرجهانی

میرجهانی به خاطر جامعیت در علوم و تبحر در ادبیات و داشتن ذوق لطیف و آشنایی با علوم غریبه (جفر، رمل، اسطرلاب) دارای تألیفاتی مؤثر، متعدد و متنوع در موضوعات: حدیث، شعر، علوم غریبه، نجوم، شیمی، طب قدیم، ریاضیات و جز آن‌ها می‌باشد. در ذیل به بعضی از آن تألیفات اشاره می‌شود:

۱. *نوائب الدهور فی علایم الظهور*: که در آن علایم ظهور امام زمان علیه السلام را در ۱۷۰۰ صفحه در چهار جلد به چاپ رسانده است.

۲. *دیوان حیران* که شامل سروده‌های وی به زبان فارسی است.

۳. *الدرر المکتوبه* که به زبان عربی در خصوص صفات ائمه علیهم السلام و تاریخ زندگی ایشان می‌باشد. شاعر در این اثر به بیان علایم ظهور پرداخته و آن‌ها را طی چهار مبحث علایم خاص، علایم حتمی، علایم مشروط و علایم مخصوص به نظم درآورده است.

۴. *لوامع النور فی علایم الظهور*

۵. *صمدیه منظومه* (میرجهانی، ۱۳۷۹: ۸-۱۹)

۴. بررسی ارجوزه میرجهانی در نشانه‌های حتمی ظهور

اینک به بررسی نشانه‌های حتمی ظهور از دیدگاه سید محمدحسن میرجهانی می‌پردازیم:

ایشان در قسمت علایم حتمی، بیت اول را این گونه آورده است:

أَمَّا عَلَامَاتُ هِيَ الْمَحْتُمَةُ فَسَبْعَةٌ مَحْتُمَةٌ مُسَلَّمَةٌ

(میرجهانی، ۱۳۳۶: ۷۹)

«علایم حتمی و مسلم هفت تا است.»

نکته‌ای که در همین آغاز لازم است به آن اشاره گردد، این است که در منابع متعدد که از ائمه علیهم السلام در کتاب‌های روایی آمده است، این علایم را پنج مورد شمرده‌اند. از جمله آن‌ها حدیثی است که از زبان امیرالمومنین، امام باقر و امام صادق علیهم السلام این چنین نقل شده است:

«مَنْ الْمُحْتَموم الَّذِي لَا بَدَّ مِنْهُ أَنْ يَكُونَ قَبْلَ الْقَائِمِ: خُرُوجُ السُّفْيَانِيِّ، وَ حَسْفُ بِالْبَيْدَاءِ، وَ قَتْلُ النَّفْسِ الرَّكِيَّةِ، وَ الْمُتَادِي مِنَ السَّمَاءِ، وَ خُرُوجُ الْيَمَانِيِّ»، «پنج چیز قبل از قیام قائم عجلایه حتمی می باشد: ۱- شورش سفیانی؛ ۲- خروج سید یمانی؛ ۳- صیحه و ندای آسمانی؛ ۴- خسف بیداء؛ ۵- کشته شدن نفس زکیه.» (سلیمان، ۱۴۰۸ق: ۶۸۱)

نکته جالب دیگر که شایان یادآوری می باشد، این است که تعداد علایمی که میرجهانی در ابتدای منظومه خود به عنوان نشانه‌های حتمی می‌شمرد، هفت مورد است، این در حالی است که در متن منظومه به شش مورد اشاره می‌کند که نه تنها با احادیث مطابقت ندارد بلکه با آنچه در ابتدای منظومه آمده نیز متناقض است.

اکنون به بررسی و تحلیل بیش تر نشانه‌هایی که میرجهانی در ارجوزه خود آورده است، می‌پردازیم:

۴-۱. شورش سفیانی

میرجهانی در ابیات زیر به معرفی شخصیت سفیانی، مکان خروج و شورش وی و هم‌چنین اصل و نسب پدری و مادری او می‌پردازد:

خُرُوجُ عَثْمَانَ مِنَ السَّمَاوَاتِ	مِنْ آلِ هِنْدٍ وَ يَزِيدِ الْعَلَايِ
قِيلَ اسْمُهُ حَرْبٌ هُوَ بَنُ عَثْبَةَ	يَخْرُجُ مِنْ أَرْضِ يَمَالُ يَابَسَةَ
مَلْعُونُ أَهْلِ الْأَرْضِ وَ السَّمَاءِ	رَأْسُ الشَّقَاءِ أَشَقَى الْأَشْقِيَاءِ

(همان، ۶۸)

«سفیانی از منطقه شام خروج می‌کند. وی از خاندان هند (جگرخوار) و یزید عیاش و فاسق است / چنین روایت شده است که اسم او حرب و فرزند عتبه (عنبنسه) بن ابوسفیان است و از سرزمینی به نام یابسه خروج می‌کند. / نفرین شده زمینیان و آسمانیان و شقی‌ترین افراد است.

امام صادق عجلایه، صفات سفیانی را این گونه بیان می‌فرماید:

«إِنَّكَ لَوْ رَأَيْتَ السُّفْيَانِيَّ لَرَأَيْتَ أَحَبَّ النَّاسِ، أَشَقَرَ، أَحْمَرَ، أَرْزَقَ، وَ قَدْ بَلَغَ مِنْ حُبِّهِ أَنَّهُ يُدْفِنُ أُمَّ وَوَلَدِهِ لَهُ وَ هِيَ حَيَّةٌ مَخَافَةٌ أَنْ تَدُلَّ عَلَيْهِ.»

«اگر سفیانی را ببینی، او پلیدترین مردمان است، بور و سرخ آبی است می‌گوید: پلیدی او به اندازه- ای می‌باشد که مادر یکی از فرزندان او، از ترس این که رازش فاش شود، زنده به گور می‌کند.» (ناصری، ۱۴۲۷ق: ۱۸۷)

خروج سفیانی در ماه رجب به وقوع می‌پیوندد و در سرزمین شام حکومت خواهد کرد. میرجهانی در ادامه به زمان و مکان شورش سفیانی و حکومت او در شام اشاره می‌کند:

وَإِنَّمَا خُرُوجُهُ فِي رَجَبٍ
وَإِنَّهُ لَيَمْلِكُ الشَّامَاتِ
يَخْرُجُ فِي حِينِ اخْتِلَافِ الْعَرَبِ
كَانَ لَهُ فِيهِ لَمَلَمَاتِ
وَمِنْهَا فِيهَا عِلْمُ الْجَوْرِ رَفَعُ
كَمْ مِنْ عَظَائِمٍ لَهُ فِيهَا تَفَعُ

(همان، ۱۳۲)

«خروج سفیانی در ماه رجب است و در هنگام اختلاف اعراب خروج می‌کند/ او بر سرزمین شام حکومت می‌کند و در آن‌جا جنگ‌هایی شدید در می‌گیرد/ حوادث بسیار عظیمی توسط سفیانی در آن‌جا به وقوع می‌پیوندد. و به وسیله او پرچم ظلم و جور برافراشته می‌شود.»

زمان خروج سفیانی در ماه رجب اتفاق می‌افتد. در این زمینه احادیث بسیاری روایت شده است. امام صادق علیه السلام در حدیثی به این نکته اشاره فرموده‌اند:

«خُرُوجُ السُّفْيَانِيِّ فِي شَهْرِ رَجَبٍ مِنَ الْمُحْتَمِ»، «خروج سفیانی در ماه رجب از نشانه‌های حتمی

است.» (علی دخیل، ۱۴۰۳ق: ۱۸۷)

در روایتی که از امام علی علیه السلام نقل شده است به زیبایی نحوه حکومت سفیانی در شام و حوادثی که در پی آن توسط وی صورت می‌گیرد، به تصویر کشیده شده است.

می‌فرماید: «درگیری دو سپاه در شام، یکی از آیات الهی است.»

از ایشان سوال شد، چه آیه‌ای یا امیرالمومنین؟

فرمودند: «لرزشی شدید در شام به وجود می‌آید و بیش از صد هزار نفر کشته می‌شوند که این

جریان را خداوند مایه رحمت و آرامش مؤمنین و عذاب کافران قرار می‌دهد. وقتی چنین شد به سوارانی

بنگرید که مرکب‌های سیاه و سفید و گوش و دم بریده و پرچم‌های زرد دارند. هر که را از مغرب تا

شام که در مسیرشان باشد می‌کشند. این جریان در زمان بی‌تابی و اندوه شدید و مرگ سرخ رخ می‌دهد

پس از آن منتظر فرو رفتن روستایی در دمشق باشید که به آن ممرسا گفته می‌شود، سپس پسر هند

جگرخوار از وادی یابس (دره بی آب و علف) شورش می‌کند تا این که بر منبر دمشق قرار بگیرد. وقتی

چنین شد منتظر خروج و قیام مهدی علیه السلام باشید. (ساده، ۱۳۸۳: ۷۶)

شاعر در ادامه، شورش سفیانی و نحوه قتل و عام و حوادث پس از آن را این گونه توصیف می‌کند:

مِنْهَا إِلَى الْكُوفَةِ قَدْ تَعَدَى
بِجَيْشِهِ وَجَاءَ شَيْئًا إِذَا

فَيَقْتُلُ الرَّجَالَ وَالنِّسَاءَ
وَيَهْتِكُ السُّتُورَ وَالْفُرُوجَا
أَيُّ عُلُوجٍ رُزِلَ فَجَّارٌ
وَقِيلَ يَا لِلَّهِ مِنْ فَضِيحَةٍ
يَا وَيَلْتَمِا مِنْ فِتْنَةِ السُّفْيَانِي
مِنْ جَوْرِهِ قَدْ بَكَتِ الْأَمْلاَكُ

يُدْبِحُ الْأَطْفَالَ وَالْأَبْنَاءَ
عَلَيْهِمْ يُسَلِّطُ الْعُلُوجَا
مِنْ ظُلْمِهِمِ اقْتَصَّتِ الْأَبْكَارُ
فَضِيحَةٍ وَقِيحَةٍ قَبِيحَةٍ
مَا بِهِمْ حَلٌّ مِنَ الْهَوَانِ
زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ كَذَا الْأَفْلَاكُ

(همان، ۱۵۳)

«با سپاهش به کوفه می‌رود و کار بسیار زشت و شکفت آوری انجام می‌دهد/ زنان و مردان را می‌کشد و کودکان و فرزندان را مانند گوسفندان ذبح می‌کند/ پرده دری می‌کند و خرهاى فربه و قوی را بر حریم مردم مسلط می‌سازد/ شکفتا از کارهای زشت و قبیح سفیانی. شکفتا از فتنه سفیانی و ظلم‌هایی که روا داشت/ ظلم و جور او پادشاهان را به گریه درآورد. زمین و افلاک را به لرزه واداشت.»

روایاتی وجود دارد که به نحوه قتل و عام مردان و زنان توسط سفیانی اشاره شده است. از این قبیل روایت شده است که امام علی علیه السلام می‌فرماید: «سفیانی بدترین فرمانروا است، دانشمندان و اهل فضل را می‌کشد. از وجود آنها برای مقاصد خود استفاده می‌کند. هر کس [از اطاعت او] سر باز زند، [او را] به قتل می‌رساند.» (کورانی، ۱۳۸۶: ۱۱۴)

میرجهانی در ادامه این حرکت، شورش سفیانی به سرزمین حجاز را به نظم در آورده است:

ثُمَّ إِلَى الْمَدِينَةِ الْمُنَوَّرَةِ
فَيَقْتُلُونَ مِنْهُمْ رَجَالًا
يُحَرِّبُونَ مَسْجِدَ الرَّسُولِ
وَيَهْتِكُونَ حُرْمَةَ النَّسْوَانِ

أَرْسَلَ جُنْدَهُ الْعُتَاةَ الْكَفَرَةَ
وَيَهْتِكُونَ مِنْهُمْ أَمْوَالًا
وَصَيَّرُوهُ مَرْبِطَ الْخَيُْولِ
يَزْتَكِبُونَ الْبَغْيَ بِالْعُدْوَانِ

(همان، ۷۸)

«سپس لشکر یاغی خود را به مدینه منوره می‌فرستد/ مردان بسیاری را می‌کشد و اموال بسیاری را به غارت می‌برند/ مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله را ویران می‌کنند و آن را محل بستن مرکب خود می‌سازند/ حرمت زنان را می‌شکنند و جنایت می‌کنند.»

«يَأْتِي الْمَدِينَةَ بِجَيْشٍ جَرَّارٍ»، «سفیانی با سپاهی درنده و خون آشام به مدینه می‌آید.» (ساده، ۱۳۸۳: ۸۶)

۴-۲. خسف الیبداء

از جمله علایم حتمی ظهور، فرو رفتن لشکر سفیانی در بیداء است. بعد از قتل و غارت در مدینه، سپاهی از طرف سفیانی به مکه می‌رود و در بین راه مکه و مدینه به فرمان خدای متعال به زمین فرو می‌رود.

شاعر در ادامه منظومه خود، از حرکت سپاه سفیانی به سوی مکه و نحوه فرو رفتن در زمین بیداء می‌گوید:

جَيْشًا لِهَدْمِ بَيْتِ الرَّبِّ الْعَالَمِينَ	ثُمَّ إِلَى مَكَّةَ أُرْسِلَ اللَّعِينُ
بِأُخْذِهِمْ قَدْ أَمَرَ التُّرَابَا	فَرُبُّهُ عَادَبَهُمْ عَادَابًا
وَهَكَذَا أُبِيدَتِ الْأَعْدَاءُ	فَانْحَفَسَتْ بِجَيْشِهِ الْبِيدَاءُ
هِيَ انْحِسَافُ الْفِرْقَةِ الْمَشُومَةِ	أَنَّ مِنَ الْعَلَائِمِ الْمَحْتُومَةِ
إِلَى الظُّهُورِ أَشْهُرُ ثَمَانٍ	مُدَّةً مُلْكِ ذَلِكَ السُّفْيَانِي

(همان، ۲۱۳)

«سپس سپاهی به سوی مکه برای ویران کردن خانهٔ پروردگار جهانیان فرستاد/ ولی خداوند آن‌ها را عذاب داد. زمین را دستور داد آن‌ها را فرو گیرد/ بیابان لشکر او را بلعید و این گونه دشمنان نابود شدند/ از نشانه‌های حتمی ظهور بلعیده شدن فرقهٔ پلید است/ مدت زمان حکومت سفیانی تا زمان ظهور قائم علیه السلام هشت ماه است.»

روایت‌هایی که در مورد فرو رفتن سپاه سفیانی به زمین است در کتاب‌های حدیثی مسلمانان، فراوان و متواتر می‌باشد و شاید مشهورترین آن‌ها در منابع اهل تسنن، روایتی باشد که از ام سلمه نقل شده است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «پناهنده‌ای به خانه خدا پناه برد؛ اما لشکری به سوی او فرستاده شود، چون به بیابان مدینه رسند، زمین آن‌ها را بلعد.» (صدر، ۱۴۱۲ق: ۶۲۰)

امام باقر علیه السلام در حدیث معتبری می‌فرماید: به فرماندهٔ لشکر سفیانی خبر می‌رسد که مهدی علیه السلام به سوی مکه حرکت کرده است. او سپاهی را به دنبال حضرت روانه می‌کند. آن‌ها به وی دست نمی‌یابند و مهدی علیه السلام داخل مکه می‌شود. فرماندهٔ سپاه سفیانی با سپاهش در بیداء فرود می‌آیند. در این هنگام ندا دهنده‌ای از آسمان ندا می‌دهد: «ای زمین بیداء اینان را نابود کن!» پس زمین آن‌ها را در خود فرو می‌برد. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۱۴۴)

در این مورد نیز همان گونه که دیدیم آن چه را که میرجهانی دربارهٔ حرکت سفیانی به سوی مکه و نحوهٔ فرورفتن در سرزمین بیداء را به نظم کشیده با روایاتی که به آن اشاره کردیم تطابق دارد. اما

نکته‌ای را که نمی‌توان به راحتی از آن بگذریم مربوط به مدت حکومت سفیانی تا زمان ظهور می‌باشد؛ زیرا مطابق روایاتی که بارها در کتاب‌های روایی نقل شده، مدت حکومت سفیانی نه ماه تمام می‌باشد. این در حالی است که میرجهانی در بیت آخر، مدت حکومت آن ملعون را هشت ماه می‌داند. در این جا برای تأیید این مطلب به روایتی که از امام صادق علیه السلام نقل شده است، اشاره می‌کنیم.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «السُّفْيَانِيُّ مِنَ الْمَحْتُمِمْ وَ خُرُوجُهُ فِي رَجَبٍ، فَإِذَا مَلَكَ الْكُوزَ الْخُمْسَ مَلَكَ تِسْعَةَ أَشْهُرٍ وَ لَمْ يَزِدْ عَلَيْهَا يَوْمًا.»

«سفیانی از نشانه‌های حتمی است و آغاز شورش او در ماه رجب خواهد بود. بر نواحی و شهرهای پنجگانه نه ماه حکومت می‌کند و حکومتش حتی یک روز هم بیش‌تر از نه ماه به طول نخواهد کشید.»^۱

(نعمانی، ۱۳۸۶: ۳۶۹)

۳-۴. خروج یمانی

قیام سرداری از سرزمین یمن از علایم حتمی است که اندکی پیش از ظهور رخ خواهد داد. وی که مردی صالح و مؤمن است علیه بدی‌ها و انحرافات قیام می‌کند و با تمام توان با بدی‌ها و تباهی‌ها مبارزه می‌کند. احادیثی که به ما رسیده است، از این جنبش به عنوان پرچم هدایت یاد می‌کنند که در یمن قیام می‌نماید و مردم را به حق و حقیقت دعوت می‌کند و اجابت دعوتش واجب است.

شاعر به زیبایی به این اوصاف اشاره کرده است:

مِنْهَا اهْتِرَازُ رَايَةِ الْيَمَانِي
فِي الْيَمَنِ بِالْيَمْنِ وَالْأَيْمَانِ
رَايَتُهُ أَهْدَى مِنَ الرَّايَاتِ
لِلدِّينِ أَنَّهٗ مِنَ الْحَمَاةِ

(همان، ۱۱۳)

«به اهتزاز در آمدن پرچم یمانی در یمن از نشانه‌های ظهور است / سپاه او هدایت یافته‌ترین سپاهان و از حامیان دین است.»

مصدق دو بیتی که در بیت بالا به آن اشاره کردیم در حدیث امام صادق علیه السلام حکایت شده است:

«هیچ رایتی با هدایت‌تر از رایت یمانی نیست.» (خراسانی، ۱۳۸۴: ۱۵۷)

فِي رَجَبٍ يَخْرُجُ كَالسُّفْيَانِي
يَدْعُو إِلَى خَلِيفَةِ الرَّحْمَنِ
قِيَامُهُ إِلَى طُلُوعِ الصَّاحِيَةِ
مِنَ الشُّهُورِ أَشْهُرُ ثَمَانِيَةِ

(همان، ۵۳)

«سید یمانی مانند سفیانی در ماه رجب خروج می‌کند و مردم را به خدای رحمان دعوت می‌کند/ از زمان قیام او تا زمان قیام قائم علیه السلام هشت ماه طول می‌کشد.»

نکته‌ای که لازم است به آن اشاره کنیم این است که خروج یمانی در یمن همزمان با شورش سفیانی در شام می‌باشد که در حدیثی دیگر، امام باقر علیه السلام به همزمان بودن این دو حرکت اشاره فرموده است:

«خُرُوجُ السُّفْيَانِيِّ وَ الْيَمَانِيِّ وَ الْخُرَاسَانِيِّ فِي سِنَةٍ وَاحِدَةٍ فِي شَهْرٍ وَاحِدٍ فِي يَوْمٍ وَاحِدٍ نِظَامُ كَنْظَامِ الْخَزْرَجِيِّ يَتَّبِعُ بَعْضُهُ بَعْضًا.»

«خارج شدن سفیانی و یمنی و سید خراسانی در یک سال و یک ماه و یک روز است. به همان ترتیب که دانه‌های تسبیح به دنبال هم می‌آیند، آن‌ها هم پشت سر هم و بلافاصله نمایان می‌شوند.» (موسوی القزوینی، ۱۴۰۵ق: ۴۴۳)

در این نشانه نیز با توجه به روایاتی که از ائمه علیهم السلام در بالا به آن‌ها اشاره شد، این مطلب به خوبی روشن می‌شود که این خروج در ماه رجب رخ می‌دهد. میرجهانی نیز به خوبی توانسته است با جست و جو در روایات اهل بیت علیهم السلام، در مورد قیام سید یمانی و خروج او در ماه رجب را در منظومه خود تطبیق دهد.

۴-۴. صیحه و ندای آسمانی

صیحه، به صدا و ندا اطلاق می‌شود. در این جا منظور ندایی است که شب بیست و سوم ماه رمضان - همان شب قدر - از آسمان شنیده می‌شود. بر اساس روایات متعدد، پس از ظهور امام علیه السلام، از مکه بانگی بسیار مهیب و رسا از آسمان شنیده می‌شود که امام علیه السلام را با اسم و نسب به همگان می‌شناساند و به مردم توصیه می‌نماید که با ایشان بیعت کنند تا هدایت یابند و با او مخالفت نکنند که گمراه می‌شوند. هر جمعیتی آن را به زبان خویش می‌شنوند و از آن حیرت و سرگردان می‌شوند. خوابیده از شنیدن این صدا بیدار می‌شود، نشسته بر سر جای خود می‌خکوب می‌گردد، نوعروسان از شدت ترس از خلوتگاه‌های خود بیرون می‌آیند و این ندا از جبرئیل است که با زبانی رسا چنین اعلام می‌کند:

«صبح نزدیک شد بدانید که حق با مهدی علیه السلام و شیعیان او است.» (همان، ۳۶۵)

ایات زیر از میرجهانی شاهد روایتی است که در بالا به آن اشاره کردیم که در آن شیوه تحقیق این (صیحه آسمانی) از سوی جبرئیل امین و ندا دادن حضرت قائم علیه السلام را می‌سراید:

يَسْمَعُ صَيْحَةً مِنَ السَّمَاءِ مَنْ كَانَ فِي الْأَرْضِ مِنَ الْأَحْيَاءِ

فَىٰ اَنْ وَّاحِدٍ عَلٰى لُغَاتِهِمْ
 كَاثَرًا تَكُوْنُ فِى اُنْيَاتِهِمْ
 بِاسْمِ الْاِمَامِ الْحُجَّةِ الْمُتَنْظَرِ
 مِنْ الَّذِى فِى الْكُوْنِ مُنْجِى الْبَشَرِ

(همان، ۱۷)

«هر کسی که در زمین زندگی می کند، صدایی از آسمان می شنود/ هر یک این صدا را به زبان خود می شنود، گویا این صدا در منازل آن ها می باشد/ این صدا نام کسی را که منجی بشریت است، فریاد می زند.»

زمان وقوع ندای آسمانی در بیست و سوم ماه رمضان می باشد.

وَتَلْكَ فِى الثَّالِثِ وَالْعِشْرِيْنَ
 مِنْ رَمَضَانَ وَقَعَتْ يَقِيْنَآ
 هَذِى مِنْ آيَاتِهِ الْمُخْتَوْمَةِ
 طُهُورٌ حَقٌّ بَعْدَهَا مَعْلُوْمَةٌ

(همان، ۱۷)

«به یقین این ندای آسمانی در بیست و سوم رمضان رخ می دهد/ این از نشانه های حتمی ظهور است و ظهور منجی بعد از این ندا مشخص می شود.»

در روایتی داوود دجاجی از امام باقر علیه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود: از امیرالمؤمنین علیه السلام از وحشت در ماه رمضان سوال شد: وحشت در ماه رمضان چیست؟ امام علیه السلام آیه چهارم از سوره مبارکه شعراء را تلاوت نمودند: «إِنْ نَشَأْ نُزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةٌ فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاصِعِينَ»، «ما اگر بخواهیم، از آسمان آیتی فرو فرستیم که گردن هایشان برای ایشان خاضع و ذلیل گردد.» و فرمودند: «آن همان نشانه ای است که دوشیزگان، پردگی را از پس پرده هایشان بیرون کشند و خفته را بیدار و بیدار را به وحشت می افکنند.» (نعمانی، ۱۳۸۶: ۳۶۴)

آن چه از آیات قرآن کریم و روایات در این قسمت بیان شد، مصداقی بر صحت این نشانه و وقوع آن می باشد. در روایتی که از امام صادق علیه السلام به آن اشاره شد، نیز به وقوع این حادثه در بیست و سوم ماه رمضان صحه می گذارد. و این ها نشان از آن دارد که میرجهانی توانسته است با بررسی آیات و روایات به زیبایی این نشانه ظهور را در منظومه خود به تصویر کشد.

۴-۵. کسوف خورشید و خسوف ماه

یکی دیگر از مظاهر قدرت الهی که در قالب سنن معجزات جلوه کرده، پدیده ماه گرفتگی و خورشید گرفتگی است. این دو نشانه از اول خلقت آدم تا آن زمان نمونه اش دیده نشده است. میرجهانی در ادامه نشانه های حتمی ظهور، به پدیده خورشید گرفتگی و ماه گرفتگی اشاره می کند:

مِنْهَا انْكَسَافُ الشَّمْسِ فِي الْخَامِسِ عَشْرٍ مِنْهُ وَ فِي آخِرِهِ حَسْفُ الْقَمَرِ
 مِنْ أَوَّلِ الدُّنْيَا إِلَى الْقِيَامَةِ لَنْ يُؤَدَّ مِثْلَ هَذِهِ الْعَلَامَةِ

(همان، ۱۱۷)

«از دیگر نشانه‌ها خورشید گرفتگی در پانزدهمین روز ماه رمضان و ماه گرفتگی در پایان ماه است/از ابتدای این دنیا تا قیامت [جز در زمان ظهور قائم علیه السلام] چنین نشانه‌ای به وقوع نپیوسته است.»
 در احادیث وقوع خورشید گرفتگی را در سیزدهم یا چهاردهم ماه رمضان و ماه گرفتگی را در بیست و پنجم می‌دانند.^۲

امام باقر علیه السلام در روایتی در مورد زمان خورشید گرفتگی و ماه گرفتگی این گونه بیان می‌فرمایند:
 «شَارَتَانِ بَيْنَ يَدَيِ هَذَا الْأَمْرِ: حُسُوفُ الْقَمَرِ بِخَمْسٍ وَ كُسُوفُ الشَّمْسِ بِخَمْسَةِ عَشْرٍ. لَمْ تَكُنْ ذَلِكَ مُنْذُ هَبَطَ آدَمُ إِلَى الْأَرْضِ. فَعِنْدَ ذَلِكَ يَسْقُطُ حِسَابُ الْمُتَجَمِّينَ.»

«دو نشانه جالب در پیش‌گام این امر [ظهور قائم علیه السلام]: خسوف ماه در پنجم ماه و کسوف خورشید در پانزدهم آن، که چنین وضعی از زمان هبوط حضرت آدم علیه السلام به روی زمین اتفاق نیفتاده است، در آن موقع حساب و نظام منجمان به هم می‌ریزد.» (سلیمان، ۱۴۰۸:ق: ۸۴۲)

آشکار است که خسوف ماه در اول ماه و یا در آخر آن گذشته از این که معمول نیست، معقول هم نمی‌باشد، ولی نظر به این که در همه روایات تصریح شده که در تمام دوران خلقت چنین کاری سابقه نداشته است، معلوم می‌شود که به شکلی تحقق خواهد یافت که برای همه مردم جهان معلوم گردد و همه را به شگفتی وادارد و اعجاب همه را برانگیزد. (سلیمان، همان: ۸۴۳)

در دو بیتی که به آن اشاره کردیم، میرجهانی نحوه وقوع خورشید گرفتگی و ماه گرفتگی را زیبا به تصویر کشیده است، روایت امام باقر علیه السلام نیز صحنه بر گفته‌های علامه می‌گذارد اما نباید غافل شد، حدیثی که در ابتدای این بخش به آن پرداختیم به خورشید گرفتگی و ماه گرفتگی به عنوان علایم حتمی اشاره‌ای نشده، در حالی که میرجهانی آن دو را در نشانه‌های حتمی آورده است.

۴-۶. شهادت نفس زکیه

از دیگر نشانه‌های حتمی ظهور، قتل نفس زکیه بین رکن و مقام است. آن گونه که در روایات آمده نام او محمد بن الحسن است که به خاطر سرشت نیک از او به نام زکیه یاد می‌شود.
 میرجهانی آخرین نشانه ظهور را این گونه به شعر در آورده است.

إِنَّ مِنَ الْعَلَانِمِ الْمُحْتَمَّةِ مَا وَقَعَتْ فِي الْمَكَّةِ الْمُكْرَمَةِ

يُقْتُلُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ
مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الرَّكِّيُّ

نَفْسُ زَكِيَّةٍ مِنْ الْفَخَّامِ
السَّيِّدُ الْمُتَنَجِّبُ الرَّضِيُّ

(همان، ۱۸۱)

«از دیگر علایم حتمی چیزی است که در مکه مکرمه رخ می‌دهد/ در بین رکن و مقام نفس زکیه به شهادت می‌رسد.»

بارزترین حادثه‌ای که روایات بیان می‌کنند، این است که حضرت در بیست و سوم یا بیست و چهارم ذی‌الحجه؛ یعنی پانزده شب پیش از ظهور خویش جوانی را جهت ایراد بیانیه خود به اهل مکه اعزام می‌دارد، اما به مجرد این که جوان مذکور بعد از نماز پیام امام علیه السلام یا فرازهایی از آن را می‌خواند، به او حمله‌ور می‌شوند و وی را به طرزی وحشیانه در داخل مسجد الحرام بین رکن و مقام به قتل می‌رسانند. پانزده روز بعد از این واقعه، زمان قیام قائم علیه السلام فرا می‌رسد. (ساده، ۱۳۸۳: ۱۵۷)

شاعر در ادامه ارجوزه خود اتفاقات بعد از قتل نفس زکیه و نحوه قیام حضرت را چنین به تصویر می‌کشد.

مِنْ قَتْلِهِ لَمَّا مَضَى خَمْسَ عَشَرَ
مِنْ طَالِبَانِ قَائِمٍ يُقُومُ
يَوْمًا مِنَ الْأَيَّامِ فَالْحَقَّ ظَهَرَ
وَ إِنَّمَا قِيَامُهُ يَدُومُ
إِلَى قِيَامِ الْحُجَّةِ الْمُتَنَطَّرِ
مَخْتَوْمَةٌ هَذِي كَمَا فِي الْخَبَرِ

(همان، ۲۰۱)

«پانزده روز بعد از شهادت محمد نفس زکیه نشانه‌های حق آشکار می‌شود/ قائمی قیام می‌نماید که مدتی طولانی حکومت می‌کند/ این خبر تا زمان قیام منتظر علیه السلام از علایم حتمی است.»

در روایت طولانی که ابوبصیر^۳ از امام صادق علیه السلام نقل کرده چگونگی قتل محمد نفس زکیه چنین بیان شده است:

قائم به یاران خود فرماید: ای قوم، اهل مکه مرا نمی‌خواهند، ولی من شخصی را به سوی آن‌ها می‌فرستم تا آن گونه که شایسته است حجت را بر آن‌ها تمام کند. از این رو حضرت یکی از آن‌ها را فراخوانده و می‌گوید به مکه برو و این پیام را به مردم یرسان و بگو ای مردم مکه من پیام آور فلانی برای شما هستم، که چنین می‌گوید: ما اهل بیت رحمت، کانون رسالت و خلافت الهی و سلاله محمد صلی الله علیه و آله و از تبار انبیا هستیم، و از آن زمان که پیامبر ما صلی الله علیه و آله رحلت کرد تا امروز در حق ما ظلم شد و بر ما ستم‌ها رفت و حقوق مسلم ما پایمال شد، اینک ما از شما یاری می‌خواهیم پس ما را یاری

کنید. وقتی جوان این سخن را ابلاغ کند، بر او هجوم آورند و او را در مسجد الحرام میان رکن و مقام به شهادت می‌رسانند، او همان نفس زکیه است چون این خبر به اطلاع امام علیه السلام رسد به یاران خود فرماید: نگفتم به شما که اهل مکه ما را نمی‌خواهد؟ یاران حضرت در کنار او باقی بمانند تا آن حضرت ظهور نماید و از کوه طوی^۴ به تعداد ۳۱۳ نفر به تعداد رزمندگان جنگ بدر، فرود آید و به مسجد الحرام وارد شود و در مقام ابراهیم علیه السلام چهار رکعت نماز گذارد. آن‌گاه به حجرالاسود تکیه دهد و پس از حمد و ستایش الهی و یاد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و درود بر او، سخنانی بیان کند که کسی مانند آن نگفته باشد. (ساده، ۱۳۸۳: ۱۵۷)

با توجه به آنچه که در روایات به آن اشاره کردیم این که قتل نفس زکیه از نشانه‌های حتمی است، شکی نیست. در روایت اخیر نیز به نحوه قتل نفس زکیه اشاره کردیم. در این روایت امام صادق علیه السلام زمان اتفاق افتادن این حادثه را پانزده روز قبل از ظهور حضرت بیان می‌فرمایند. میرجهانی نیز به خوبی این مورد را در سه بیتی که در بالا آوردیم، گنجانده است.



نتیجه‌گیری

از تحلیل و بررسی نشانه‌های حتمی ظهور در سروده‌های سید محمدحسن میرجهانی این نتایج را می‌توان برشمرد:

۱. سید محمدحسن میرجهانی افزون بر این که دانشمند دینی است، شاعری توانمند در عرصه شعر عربی به شمار می‌آید توانایی شگرفی در به نظم درآوردن اعتقادات و آموزه‌های دینی دارد. وی در کتاب *الدرر المکنونه*، به علایم ظهور منجی عالم بشریت حضرت مهدی علیه السلام پرداخته است. سراینده، از آن‌جا که عالم دینی می‌باشد و در عرصه متون و احادیث روایی از خبرگی ویژه برخوردار است، توانسته علایم گوناگون ظهور را به شیوه‌ای ماهرانه به نظم درآورد؛

۲. میرجهانی درباره علایم ظهور تقریباً تمامی نشانه‌های ظهور را که پیامبر اسلام و ائمه علیهم السلام نقل کرده‌اند، آورده است، ولی نکته در خور توجه این است که در خصوص علایم حتمی ظهور که موضوع بحث این مقاله است، طبق روایات منقول از معصومین علیهم السلام تعداد این علایم را پنج مورد شمرده‌اند. این در حالی است که میرجهانی در ابتدای منظومه خود (قسمت علایم محتومه) به هفت مورد اشاره می‌کند؛

۳. یکی از علایمی که میرجهانی بر خلاف احادیث، آن را در نشانه‌های محتوم آورده پدیده خورشید گرفتگی و ماه گرفتگی است که در هیچ یک از منابع مورد مطالعه و بررسی، به این نشانه به عنوان علامت محتوم اشاره‌ای نشده است؛

۴. نکته دیگر که شایان یادآوری است، بحث زمان در علایم محتوم است؛ زیرا هر یک از این نشانه‌ها در زمانی مشخص روی می‌دهد. بیش‌تر این علایم در ماه‌های رجب و رمضان به وقوع می‌پیوندد و این نشان از اهمیت این دو ماه در بحث ظهور دارد که میرجهانی هم به خوبی به این مسأله اشاره می‌کند؛

۵. بر اساس بررسی علایم حتمی ظهور و زمانبندی که در مورد هر یک از این پنج مورد به آن اشاره شد، می‌توان سال ظهور را تشخیص داد؛ زیرا پنج نشانه مذکور پیاپی و طی یک سال محقق می‌شود و برای کسی جای هیچ شک و تردید باقی نمی‌ماند؛ چون فرجی بزرگ و شکوهمند را نوید می‌دهد.

پی‌نوشت‌ها

۱. شایان ذکر است که در ششمین ماه جنبش سفیانی، یعنی ماه محرم ظهور انجام می‌شود، ولی ختم کارش سه ماه پس از واقعه ظهور است، بنابراین مدت حکومت سفیانی نه ماه می‌شود.
۲. چون به حساب منجمان خسوف در وسط ماه واقع می‌شود و کسوف که گرفتن خورشید است در اواخر ماه.
۳. ابوبصیر لیث بن بختری مرادی، از رجال امامی کوفه در نیمه اول قرن دوم (قمری). کنیه او را «ابومحمد» ابویحیی» آورده و او را از اهل کوفه شمرده‌اند. وی در منابع رجالی از اصحاب امام محمد باقر علیه السلام و امام جعفر صادق علیه السلام محسوب شده است. ابوبصیر مرادی از برخی راویان حدیث اهل بیت علیهم السلام چون عبدالکریم بن عتبه هاشمی روایت کرده است. ابوبصیر مرادی، درگذشت امام جعفر صادق علیه السلام را درک کرده است، بیش تر معتقد هستند ابوبصیر مرادی به امامت موسی کاظم علیه السلام باور نداشته و گفته‌اند مذهب وی مستقیم نبوده است. از مهم‌ترین شاگردان ابوبصیر مرادی که روایات زیادی از او نقل کرده، ابوجمیله مفضل بن صالح اسدی است و در درجه بعد می‌توان از عبدالله بن مسکان، عبدالله بن بکیر و عبدالکریم بن عمرو خثعمی یاد نمود.
۴. طوی نام یکی از کوه‌های مکه و از ورودی‌های شهر است.

منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم.
۲. خراسانی، محمد جواد (۱۳۸۴ق)، *مهدی منتظر*، چاپ اول، تهران: انتشارات کتابخانه صدوق.
۳. رضایی اصفهانی، محمد علی (۱۳۸۷)، *مهر مهدوی*، چاپ اول، تهران: انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
۴. سادة، مجتبی (۱۳۸۳)، *الفجر المقدس المهدی علیه السلام و ارهاصات اليوم الموعود*، ترجمه محمود مطهری نیا، چاپ سوم، تهران: انتشارات موعود عصر علیه السلام.
۵. سلیمان، کامل (۱۴۰۸ق)، *روزگار رهایی*، ترجمه علی اکبر مهدی پور، چاپ اول، تهران: نشر آفاق.
۶. صدر، سید محمد (۱۴۱۲ق)، *تاریخ ما بعد الظهور*، بیروت: ط ۱، دار التعارف للمطبوعات.
۷. صدر، سید محمد (۱۴۱۲ق)، *تاریخ الغیبة الكبرى*، ترجمه سید حسن افتخارزاده، چاپ اول، تهران: نشر نیک معارف.
۸. صمدی، قنبر علی (۱۳۸۸)، «آموزه انتظار و زمینه سازی ظهور»، مجله مشرق موعود، سال سوم، شماره یازدهم، صص ۱۱۸-۱۳۶.
۹. عبداللّهی، حسن (۱۳۷۷)، *قائم آل محمد در اشعار عربی*، پایان نامه دکتری، به راهنمایی سید علی مدرس موسوی بهبهانی، دانشگاه تهران.
۱۰. علی دخیل، علی محمد (۱۴۰۳ق)، *الامام المهدی علیه السلام*، ط ۳، بیروت: دارالمرتضی.
۱۱. کورانی، علی (۱۳۸۶)، *عصر ظهور*، ترجمه مهدی حقی، چاپ دهم، تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل.
۱۲. موسوی القزوینی، سید محمد کاظم (۱۴۰۵ق)، *الامام المهدی من المهد الی الظهور*، ط ۱، بیروت: انتشارات موسسه الوفاء.
۱۳. میرجهانی، محمدحسن (۱۳۳۶)، *الدرر المکنونة فی الإعمامة و الإمام و صفاته الجامعة*، تهران: مکتب الصدر.
۱۴. _____، (۱۳۷۹)، *دیوان حیران*، گزینش حسن محمودی، قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی علیه السلام و تهران: بنیاد فرهنگی مهدی موعود علیه السلام.
۱۵. ناصری، محمد امین (۱۴۲۷ق)، *الامام المهدی فی الاحادیث المشتركة بین السنة و الشیعة*، چاپ اول، تهران: انتشارات المجمع العالمي للتقريب بين المذاهب.
۱۶. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۳)، *نعبت نعمانی*، ترجمه جواد غفاری، تهران: کتابخانه صدوق.